

تهمینه یا تهمیمه؟ بررسی نسخه‌شناختی و ریشه‌شناختی

ابوالفضل خطیبی (استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: در این جستار نام تهمینه، مادر سهراب در حماسه ملی ایران از دو نظرگاه بررسی شده است: یکی به لحاظ نسخه‌شناسی که پس از بررسی بیش از بیست نسخه از نسخه‌های مهم شاهنامه به این نتیجه انجامیده است که صورت تهمیمه در کهن‌ترین نسخه و برخی دیگر از نسخه‌های قدیمی و معتبر شاهنامه، بر صورت مشهور تهمینه - هرچند اشتقاق این یکی را می‌توان معین کرد - ترجیح دارد؛ دوم، به لحاظ ریشه‌شناسی که در صورت کهن‌تر نام تهمینه، Tahmēnak سه جزء را می‌توان بازشناخت: tahm، به معنی «دلیر»؛ ēn، پسوند تحبیبی و ak، پسوند تحبیبی دیگر.

کلیدواژه‌ها: تهمینه، تهمیمه، رستم، سهراب، شاهنامه

تهمینه/ تهمیمه دختر پادشاه سمنگان بود که نیمه‌شب به بالین مهمان پدرش رستم آمد و خود را بر او عرضه کرد و از پیوند آنان سهراب زاده شد. نام تهمینه در دو بیت زیر از داستان رستم و سهراب آمده است.

یکی در بیتی که خودش را به رستم معرفی می‌کند (فردوسی، شاهنامه، تصحیح خالقی مطلق،

:۶۱/۱۲۲/۲)

چنین داد پاسخ که تهمینه‌ام تو گویی که از غم به دو نیمه‌ام

و دیگری هنگام نام‌گذاری سهراب (همان: ۹۸/۱۲۵/۲):

چو خندان شد و چهره شاداب کرد ورا نام تهمینه سهراب کرد

در همه چاپ‌های شاهنامه مانند چاپ استاد خالقی مطلق، همین صورت تهمینه دیده می‌شود، به جز در چاپ ژول موهل که صورت تهمیمه آمده است (فردوسی، شاهنامه، تصحیح موهل، ۹۱/۴۱/۲، ۱۳۸/۴۳). در فرهنگ شاهنامه فریتس وُلف هم هردو صورت مدخل شده‌اند (Wolff 1965: 253).

نخستین بار زنده‌یاد عزیزالله جوینی هنگام کار با نسخه فلورانس به درستی دریافت که در نخستین بیتی که تهمینه در محلّ قافیه به‌کار رفته، تهمینه با نیمه در مصراع دیگر به‌سبب اختلاف در حرف روی («ن» در تهمینه و «م» در نیمه) قافیه نمی‌شود و اگر قافیه شود، آن را اکفاء گویند که از عیوب قافیه است. جوینی در همین جا به نکته مهم دیگری نیز توجه نشان داد و آن اینکه در نسخه فلورانس ۶۱۴ق در سه جا (یک جا در سرنویس و دو جا در دو بیت پیش‌گفته) به‌جای تهمینه در چاپ استاد خالقی مطلق، آشکارا تهمیمه آمده و استاد خالقی به این ضبط اشاره نداشته است، در صورتی‌که با گزینش ضبط نسخه فلورانس (تهمیمه) و یکسان شدن حرف روی («م») در هردو کلمه قافیه، عیب قافیه برطرف می‌شود (جوینی ۱۳۸۰: ۳/۳۱۷، یادداشت ۲). بعدها سجاد آیدنلو هنگام بررسی داستان رستم و سهراب در سفینه تبریز - که در آنجا هم ضبط تهمیمه به چشم می‌خورد - با مرور نظر جوینی، خود در گزینش تهمینه یا تهمیمه به نتیجه قطعی نرسید و نوشت: «اظهار نظر قطعی درباره اینکه تهمینه و عیب قافیه بیت مذکور ناشی از دستبرد کاتبان است یا برعکس، ضبط تهمیمه

اصلاحی است که بعضی از نسخه‌نویسان باسواد و نکته‌سنج در قافیه فردوسی - و به ناچار در سرنویس داستان و کاربرد دیگر این نام در غیر محل قافیه - کرده‌اند، بدون شواهد و قرینه‌های بیرونی دشوار است» (آیدنلو ۱۳۸۴-۱۳۸۵: ۲۴۰-۲۴۱).

استاد خالقی مطلق در تازه‌ترین پژوهش خود درباره داستان رستم و سهراب، در شرح بیت مورد بحث نوشته‌اند: «دست‌نویس‌های ف، ق، پ در اینجا و در بیت ۱۰۰ نویسنش تهمیمه دارند. دست‌نویس‌های سعدلو و ش^۲ (شاهنامه کوچک دوم) نیز همین نویسنش را تأیید می‌کنند. ولی به گمان ما دستبرد برای برداشتن عیب قافیه است. در شاهنامه که در کاربرد قافیه بیشتر وسواس هزینه شده است، گه‌گاه آسان‌گیری نیز شده است. از جمله در بیتی (← ششم ۶۳/۲۴۶) التونیه با بنه قافیه شده و قافیه برخلاف بیت ۶، موصول نیز نیست» (خالقی مطلق ۱۳۹۳: ۱۳۶).

چنان‌که ملاحظه شد استاد خالقی مطلق برای ضبط تهمیمه به سه نسخه (ف، ق، پ) از ۱۵ نسخه مبنای تصحیح خود و دو نسخه (سعدلو، ش^۲) از نسخه‌های دیگر اشاره کرده است، ولی بررسی نگارنده از همان ۱۵ نسخه، نتایج دیگری در پی داشت، بدین شرح: نسخه لینگراد ۷۳۳ (لن) این بخش از داستان رستم و سهراب را ندارد و از میان ۱۴ نسخه دیگر، ۷ نسخه ضبط تهمیمه را دارند و ۷ نسخه دیگر ضبط تهمینه. این نسخه‌ها، هم در سرنویس و هم در دو بیت یادشده ضبط تهمیمه را دارند: فلورانس ۶۱۴ (ف)؛ استانبول ۷۳۱ (س: تهمیمه)؛ قاهره ۷۴۱ (ق)؛ لندن ۸۹۱ (ل^۲)؛ پاریس ۸۴۴ (پ)؛ واتیکان ۸۴۸ (و)؛ برلین ۸۹۴ (ب). چنان‌که ملاحظه شد، ضبط تهمیمه در نسخه اساس و کهن‌ترین نسخه (ف) هست و ۶ نسخه دیگر که سه تای آنها از نسخه‌های قدیمی و در تصحیح شاهنامه مهم هستند (س، ق، ل^۲) آن را تأیید می‌کنند. بنابراین، طبق قواعد تصحیح متن، جای ضبط

۱. در این نسخه در سرنویس چنین آمده است: «زادن سرخاب از بهیمه دختر شاه سمنگان» و در دو بیت مورد نظر: «چنین داد پاسخ که بهیمه‌ام...»؛ «ورا نام بهیمه سهراب کرد...». در نسخه آکسفورد ۸۵۲ (آ) در سرنویس چنین آمده است: «آمدن تهمتن (!) شب به بالین رستم» و در بیت اولی: «چنین داد پاسخ که تهمیته‌ام» و در بیت دوم همان ضبط تهمینه را دارد.
۲. ژول موهل در تصحیح خود، از این نسخه بیش از نسخه‌های دیگر بهره برده و از همین رو چنان‌که بالاتر گفته شد، در چاپ او ضبط تهمیمه به چشم می‌خورد.

تهمیمه که نسبت به تهمینه دشوارتر و ناآشنا تر نیز هست^۱ - در متن است و با این ضبط قافیۀ بیت نیز درست است. گذشته از این، همه هفت نسخه حاوی ضبط تهمیمه به لحاظ سلسله‌نسب، خویشاوندی نزدیکی با یکدیگر ندارند که بتوان اتهام جعل را متوجه کاتب خاصی کرد. استاد خالقی مطلق سواي برخی نسخه‌های مبنای تصحیح خود، از دو نسخه دیگر نیز نام می‌برند که ضبط تهمیمه را دارند (سعدلو و ش^۲) و ما هم به پنج نسخه از قرن هشتم و نهم برخوردیم که همین ضبط را دارند: داستان رستم و سهراب در سفینه تبریز ۷۲۱-۷۲۳ (سفینه تبریز ۱۳۸۱، ص ۵۶۸، سطر ۱ و ۳ از پایین)؛ نسخه قوام‌الدین حسن^۳ ۷۴۱؛ دهلی ۸۳۱ (آرشیو ملی هند به شماره ۶۰۱)؛ ایاصوفیه استانبول ۸۴۲ (ش ۳۲۸۵)؛ ایاصوفیه استانبول ۸۶۱ (ش ۳۲۸۸)^۴. پس، اگر قرار باشد ضبط تهمینه در متن شاهنامه جای بگیرد، باید برای ترجیح آن بر تهمیمه دلایل و شواهد استوار آورد. در این مورد، شواهد بیرون از شاهنامه کمکی نمی‌کنند، زیرا در هیچ متن کهن دیگری از بانوی سمندگان نام نرفته است. مهم‌ترین دلیلی که استاد خالقی مطلق برای ترجیح تهمینه یادآور شده‌اند این است که در بیت مورد بحث، با وجود ضبط تهمینه، قافیه عیب داشته و کاتبان با تغییر تهمینه به تهمیمه قافیه را درست کرده‌اند. به نظر نگارنده در این موارد، باید پیش‌فرض ما این باشد که در شعر فردوسی وزن و قافیه درست‌اند نه برعکس^۴. اگر چنین پیش‌فرضی نباشد چگونه می‌توان در

۱. سجّاد آیدنلو نیز به دشوارتر بودن ضبط تهمیمه اشاره کرده است (آیدنلو ۱۳۹۶: ۱۹۹). در دوره معاصر، نشانی از نام «تهمیمه» در خور و بیابانک (نام همسر اول حبیب یغمایی، روزنامه‌نگار و شاعر نامدار) می‌یابیم که گویا کوتاه شده نام «تهمیمه» باشد.
۲. برگ‌های بازمانده از این نسخه که کاتب آن در ۷۴۱ قمری به حاجی قوام‌الدین حسن (درگذشت: ۷۵۴ق)، وزیر ابواسحاق اینجو تقدیم کرده، در موزه‌ها و کتابخانه‌های مختلف پراکنده‌اند. بیشتر این برگ‌ها را دوست نازنین من، آقای امیر ارغوان گرد آورده و همو از سر لطف و مهربانی‌های همیشگی خود، مرا از ضبط تهمیمه در سرنویس و بیت اول داستان رستم و سهراب در این نسخه آگاه ساختند. در حاشیۀ نسخه معروف سن‌ژوزف نیز ضبط «تهمیمه» به چشم می‌خورد. در پایان داستان رستم و سهراب، شخصی پیش از درج بیت‌های الحاقی سوگواری تهمینه، نوشته است: «آگه شدن تهمیمه از مرگ سهراب» (نک: فردوسی، شاهنامه، به کوشش ایرج افشار و همکاران، ۱۴۲).
۳. از دوست نازنین علی شاپوران سپاسگزارم که فایل این دو نسخه و نیز سه نسخه دیگر از شاهنامه را با گشاده‌دستی در اختیارم نهادند.
۴. البته چنان‌که استاد خالقی گفته‌اند (نک: بالاتر) در شاهنامه چند بیت بی‌قافیه دیده می‌شود و نسخه‌ها هم کمکی در درست شدن قافیه نمی‌کنند.

صورت درست نبودن وزن یا قافیه در برخی نسخه‌ها، آنها را بر اساس نسخه‌های دیگر تصحیح کرد؟!

شاید دلیل اصلی ترجیح تهمینه بر تهمیمه - گذشته از رواج این صورت و عادت ذهنی ما - این باشد که تهمینه را می‌توان به لحاظ ریشه‌شناسی توجیه کرد، ولی تهمیمه را نه. پیش از آنکه بحث خود را درباره ریشه‌شناسی این نام پی بگیرم، شایسته است این نکته مهم را یادآور شوم که نامعلوم بودن یا توجیه‌ناپذیر بودن اشتقاق یک نام، همیشه دلیل موجهی نتواند بود تا بر اساس آن ضبط نسخه اساس و همراهانش را فدا کرد. شاید امروز جزء دوم صورت تهمیمه برای من یا دیگران ناشناخته باشد، ولی فردا شناخته شود. البته تبدیل واج /ن/ به /م/ در برخی واژه‌ها دیده می‌شود که به ذکر دو مورد بسنده می‌شود^۱:

۱. واژه «رستنی/رستین» در سه بیت گرشاسب‌نامه به صورت «رستمی/رستمین» آمده که در یکی از بیت‌ها این واژه اصلاً در محل قافیه نیست (اسدی طوسی، گرشاسب‌نامه، ۱۴۲):

ولیکن چو افتاده شد در زمی نخستین بود پایه رستمی (رستنی)
نگون باشد آنجا به خاک اندرون که در رستمین (رستین) می‌برد سرنگون

در بیت یکم چنان‌که در پانوش آمده است، نسخه س (سپهسالار)، ضبط رستنی دارد، ولی مصحح ضبط رستمی را گویا از نسخه م (موزه بریتانیا) در متن جای داده است، ولی در بیت دوم در رستمین، ضبط موزه بریتانیا را به پانوش برده و ضبط هر رستنی را در متن نهاده است. به نظر می‌رسد در هر دو مورد، ضبط نسخه موزه بریتانیا اصیل باشد. در بیت زیر نیز ضبط رستمی در محل قافیه در متن جای گرفته است (همان: ۱۳۹):

ز هر جانور پاک وز رستمی همه هرچه پیدا شود بر زمی

چنان‌که در پانوش توضیح داده شده، این بیت فقط در نسخه سپهسالار و آن هم با ضبط رستنی آمده و ضبط متن تصحیح قیاسی مصحح است.

۱. واژه‌ها و شواهد در هر دو مورد، از این مقاله برگرفته شده است: صادقی، علی اشرف، «نازمین - نازمین، خندمین، بودمین»، جشن‌نامه دکتر سعید حمیدیان (زیر چاپ)؛ از استاد نازنینم دکتر علی اشرف صادقی سپاسگزارم که دست‌نویس مقاله خود را پیش از چاپ در اختیار من قرار دادند.

۲. بودمین مبدلِ بودنین در تفسیری کهن از قرآن: «مر آن چیز بودمین را کاندز علم او بود که بخواهد بودن گوید: بباش، بباشد چنانکه او خواهد» (بخشی از تفسیر کهن، ۲۵). بنابراین، در تحوّل نامِ تهمینه به تهمیمه شاید واج /ن/ در اثر همگون‌شدگی با واج مجاور خود (/م/) به /م/ تبدیل شده است و هردو صورتِ این نام پیش از عصر فردوسی رواج داشته، ولی آنچه به بحث ما مربوط می‌شود این است که فردوسی احتمالاً تهمیمه به کار برده و آن را با نیمه قافیه کرده است نه آنکه کاتبان برای درست شدن قافیه تهمینه را به تهمیمه تغییر داده باشند.

صورت کلمهٔ Tahmīna/e از سه جزء تشکیل شده است:

۱. tahm (پهلوی: tahm؛ اوستایی: taxma-) به معنی «دلیر» از ریشهٔ tak- به معنی

«تاختن» و «دویدن» که همین صورت در تهمتن لقب رستم هم دیده می‌شود (حسن دوست ۱۳۹۳: ۹۲۳/۲). tahm در بسیاری از نام‌های ایرانی حضور دارد و پیش از برخی از نام‌ها نیز به کار رفته است که از آن جمله‌اند (نک: Justi 1963: 319): تهم‌هرمزد (Tahm-Hōrmazd) و تهم‌یزدگرد (Tahm-Yazdgerd).

۲. īn (پهلوی: ēn؛ اوستایی: -aēna-)، در اصل پسوند سازندهٔ صفت نسبی است که به عنوان پسوند تصغیر/ تحییب هم در برخی نام‌های ایرانی به کار رفته است: مشکین (Muškīn)، نوشین (Nōšīn)، رامین (Rāmīn)، تهمین (Tahmīn)، ماهین (Māhīn)، کارین (Kārīn)، وارین (Wārīn).^۱

۳. a/e که بازماندهٔ ak، پسوند تصغیر/ تحییب دیگری است که شواهد آن در نام‌های ایرانی فراوان است: بابک، روشنگ (نام دختر داریوش سوم هخامنشی)، رامک، شاهک، شاذک، شهرک، فورک، ماهک و جز آنها. از آن میان، نام‌های ماهک و شاهک هم برای

۱. برای این پسوند، نک: Justi 1963: 524؛ برای نام‌های یادشده، نک: Ibid: 218, 230, 319, 524؛ نیز: Gignoux 1979: 62-68.

علی‌اشرف صادقی فهرستی از پسوندهای تحییب از جمله همین پسوند īn و برخی نام‌های دارای این پسوند را از منبع بالا نقل کرده است (نک: صادقی ۱۳۸۶: ۶-۷؛ برای این پسوند و سه نام اخیر در فهرست بالا، نک: ص ۷).

مردان به‌کار رفته است و هم برای زنان (برای این نام‌ها و نام‌های دیگر، نک: صادقی ۱۳۸۶: ۸-۱۳).

بنابراین، صورت کهن‌تر ته‌مینه، Tahmēnak بوده که دو پسوند تحبیبی ēn و ak گرفته است و این فرایند در نام‌های ایرانی بی‌سابقه نیست. نکته مهم دیگر این است که در نام‌های ایرانی - چنان‌که بالاتر گفته شد - Tahmīn با پسوند تحبیبی īn نام مرد است و هنگامی که پسوند تحبیبی ak نیز می‌گیرد (Tahmīnak) برای زنان به‌کار می‌رود. چنین است نام مُشکین (دبیر ویس در ویس و رامین، نک: گرگانی، ویس و رامین، ۳۳/۳۵-۳۵) برای مردان که با افزوده شدن پسوند تحبیبی ak، به مُشکِنک، نامی برای زنان (بنا بر شاهنامه^۱)، نام یکی از چهار دختر آسیابان که همراه با خواهرانش، با چکامه‌هایی بهرام گور را می‌ستایند تبدیل می‌شود. ولی در ویس و رامین، نام معروف رامین به سه صورت آمده است: رام، رامین (Rāmīn)، رام با پسوند تحبیبی (īn) و رامینه^۲ (Rāmīnak) با پسوند تحبیبی دیگر (ak).^۳

منابع

آیدنلو، سجاد ۱۳۸۴-۱۳۸۵، «شاهنامه در سفینه تبریز»، نامه بهارستان، س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۲۳۳-۲۴۲.

_____ ۱۳۹۶، «نکته‌هایی از شاهنامه نسخه سن ژوزف بیروت»، در حضرت سیمرخ: بیست و پنج مقاله و یادداشت درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران، تهران، ص ۱۹۱-۲۱۷.

اسدی طوسی، علی بن احمد، گرشاسب‌نامه، به‌کوشش حبیب یغمایی، تهران، ۱۳۱۷.
بخشی از تفسیر کهن، به‌کوشش محمد روشن، تهران، ۱۳۵۱.

جوینی، عزیزالله ۱۳۸۰، شاهنامه از دست‌نویس موزه فلورانس (گزارش ابیات و واژگان دشوار)، تهران.
حسن‌دوست، محمد ۱۳۹۳، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، ج ۲، تهران.

۱. فردوسی، شاهنامه: ۴۷۲/۴۵۴/۶.

یکی مشکناز و یکی مشکنک یکی ناردانک دگر سوسنک

۲. گرگانی، همان: ۱/۴۰۲ (رامین)، ب ۵ (رام)، ب ۱۰ (رامینه و نیز ۱۰/۵۱۱).

۳. برای بخش ریشه‌شناسی این جستار از مشورت دوست و همکار نازنینم دکتر احمدرضا قائم‌مقامی بهره برده‌ام.

خالقی مطلق، جلال ۱۳۹۳، داستان رستم و سهراب، به‌کوشش محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزبخش، تهران.

سفینه تبریز، گردآوری و به خط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.

صادقی، علی‌اشرف ۱۳۸۶، «شکل تحبیبی نام‌های خاص ایرانی در دوره اسلامی (بخش اول)»، مجله زبان‌شناسی، س ۲۲، ش ۱، ص ۳-۲۰.

فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به‌کوشش ژول موهل، تهران، ۱۳۶۹.

_____، شاهنامه، به‌کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، ۱۳۸۶.

_____، شاهنامه، نسخه‌برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری (کتابخانه شرقی، وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، شماره NC 43)، به‌کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، با مقدمه جلال خالقی مطلق، تهران، ۱۳۸۹.

گرگانی، فخرالدین اسعد، ویس و رامین، به‌کوشش ماگالی تودوا-الکساندر گواخاریا، تهران، ۱۳۴۹.

Gignoux, Ph. 1979, "Les noms propres en moyen-perse épigraphique. Étude Typologique", *Pad Nām ī Yazdān. Études d'épigraphie, de numismatique et d'histoire de l'Iran ancien*, ed. Ph. Gignoux et al., Paris, pp. 35-100.

Justi, F., 1963, *Iranisches Namenbuch*, Marburg, 1895; repr. Hildesheim, 1963 (بازچاپ: تهران، اساطیر، ۱۳۸۲).

Wolff, F., 1965, *Glossar zu Ferdosis Schahname*, Berlin, 1935; repr. Hildesheim, 1965 (بازچاپ: تهران، اساطیر، ۱۳۷۷).